



نباید از به میدان آمدن سلیقه‌های مختلف ترسید

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در آیین تکریم و معارفه معاون اول قوه قضائیه گفت: «همه ما مسئولان قضایی باید توجه کنیم که عهده‌دار مسئولیتی خطیر و تکلیفی سنگین هستیم؛ لذا باید خیلی مراقبت کنیم و در انجام تکالیف، تلاش مضاعف داشته باشیم؛ گاهی ناچاریم از یک امر مباح نیز اجتناب کنیم. توقعات بحقی از ما مسئولان قضایی وجود دارد لذا باید با صبر و حوصله و بردباری در برابر موانع و مشکلات بایستیم و امور محوله را به نحو احسن به پیش ببریم.» او در بخش دیگری گفت: «امروز بیش از اوقات دیگر به هماهنگی و همکاری نیازمندیم؛ در این راستا نباید از وجود اختلافات و به میدان آمدن افکار نظریات و سلیقه‌های مختلف هراسید؛ این هنر ماست که با شنیدن اقوال مختلف، احسن آن‌ها را انتخاب کنیم و با متخصصین و اهالی فن و انسان‌های خیره در موضوعات مختلف مشورت کنیم.»

تاریخ
سیاست



اقدامات فراجا جای تقدیر دارد

محمدعلی جعفری، مسئول قرارگاه فرهنگی و اجتماعی بقیةالله سپاه پاسداران در مورد طرح نور، ماجرای تذکر رهبر انقلاب و لایحه حجاب و عفاف، گفت: «یک اشتباهی از جانب عوامل اجرایی صورت گرفته و از جانب آقای فضالانی گفته می‌شود که حضرت آقا تذکری داده‌اند و این امر طبیعی است، زیرا با گزارشات به محضر رهبر انقلاب می‌رسد و با ایشان در فضای مجازی رؤیت می‌کنند. این دو تذکر در مورد انجام همه مأموریت‌های امنیتی، فرهنگی و اجتماعی یک امر طبیعی است، زیرا ممکن است در اجرا، یک مأموری اشتباهی کند و با آن تذکر این اشتباه اصلاح شود، بنابراین با این تذکر اصل مأموریت زیر سوال نمی‌رود و باید مأموریت به‌درستی اجرا شود.» او همچنین گفت: «این اقدام فراجا جای تقدیر دارد، در این شرایط و فضایی که کشف حجاب و برهنگی در کشور از جانب دشمن در حال برنامه‌ریزی و گسترش است، در حال مقابله با آن است. این وظیفه همه است تا از این اقدام حمایت کنند و ما هم حمایت می‌کنیم.»



خویشتن داری باور غلطی ایجاد کرده بود

سیدمجید میراحمدی، معاون امنیتی وزیر کشور در گفت‌وگو با فارس گفت: «صبر و خویشتنداری و یا کم‌کاری تدریجاً باور غلطی را ایجاد کرده بود که گویی کشف حجاب از جانب مسئولین پذیرفته شده است و یا در مقابل اقدام تحمیلی دشمن کاری ساخته نیست در حالی که اصلاً اینگونه نبود و نیست. فراجا در این طرح به وظیفه قانونی خود عمل می‌کند و مدبرانه و با نیت مشفقانه و دلسوزانه اقدامات خود را انجام می‌دهد.» او ادامه داد: «آزسوی دیگر عفاف و حجاب یکی از مطالبات مردمی است و مردم در این مدت که این طرح اجرا می‌شود یک مورد نداشتیم که نسبت به اجرای طرح اعتراضی داشته باشند و به پلیس اعتراض کنند.»

تاریخ‌نگاری يك طرفه

درباره کتاب جدید عباس سلیمی‌نمین و اظهارات سخنرانان مراسم رونمایی آن



سمیه متقی
دبیر گروه سیاست

مراسم رونمایی از کتاب «چالش‌های تاریخ، چرخش قلم و سخن در سیر تاریخ» روز گذشته با حضور چهره‌های سیاسی-فرهنگی از جمله مرتضی اشراقی، حسین صفارهرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد در دولت دوم احمدی‌نژاد، موسی حقانی، رئیس مؤسسه تاریخ معاصر ایران، رضا پورحسین، رئیس دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران برگزار شد. قرار بر این بود مرتضی الویری، فعال سیاسی پیش از پیروزی انقلاب که در سال‌های ۷۸ تا ۸۰ شهردار تهران بود نیز در این جلسه به عنوان سخنران حضور پیدا کند که پیش از شروع جلسه اعلام کرد که در رونمایی کتاب شرکت نمی‌کند. عدم حضور او و مباحثی که از سوی سلیمی‌نمین در این زمینه مطرح شد، بالغ بر نیم ساعت از وقت جلسه را به خود اختصاص داد. البته این رخداد و واکنش‌ها به آن در طی این جلسه که در ادامه به اتهام واضح دروغ‌گویی به اعضای نهضت آزادی نیز تسری پیدا کرد، خود قابلیت این را داشت که محور بحث بعدی درباره همین کتاب و نگرانی درباره نحوه بیان تاریخ از سوی چنین چهره‌هایی شود. به هر حال عباس سلیمی‌نمین از چهره‌های اصولگرایی است که طبیعتاً علاوه بر زاویه داشتن با جریان اصلاحات به عنوان رقیب اصلی این جریان در عرصه سیاسی کشور، تشکل‌هایی مانند نهضت آزادی و جبهه ملی را هم همانند همسنگری‌هایش برنمی‌تابد و البته شاید اگر در ابتدای بحث و تورق کتاب تنها مواردی مانند انتخاب چالش‌های مطرح شده در کتاب و محتوای آن سوالاتی را برای خواننده درباره‌گزینه‌ش مطالب ایجاد می‌کرد، اما حضور در این جلسه و سخنانی که در آن مطرح شد به شکل عجیبی نگرانی درباره نوع تاریخ‌نگاری این دسته از افراد که علقه سیاسی خاصی دارند و تاکید بر بی‌طرفی نگارش را در جایگاه یک نویسنده مطرح می‌کنند، قوت می‌دهد و این نگاه را تقویت می‌کند که برای نگاه بی‌طرفانه یا فراجراحی به عنوان یک مورخ واقعاً نیاز به تلاش‌ها و تمرین‌های بسیار است. در ادامه نگاهی به معرفی کتاب و حواشی پیش‌آمده در این جلسه خواهیم داشت.

نگاهی گذرا به کتاب

بخش عمده‌ای از کتاب جدید سلیمی‌نمین با عنوان «چالش‌های تاریخی» به متن مناظرات و مباحثاتی که نویسنده کتاب با چهره‌های مختلف سیاسی و تاریخی در فضای رسانه و محافل گوناگون پرداخته بود، باز می‌گردد و در کنار آن مستنداتی را ارائه داده است. بنابراین در این کتاب با آن روندی که از کتاب تاریخی انتظار می‌رود، روبه‌رو نیستیم. این کتاب در چارچوب

مناظراتی که بخش عمده آن در فضای رسانه منتشر شده است، بیشتر به آرشیبوی از مطالب به همراه بخش توضیحی نویسنده و به عبارتی تزیین نظرات نویسنده بدل شده است. البته از آن جهت که سلیمی‌نمین موضوعات را به عنوان چالش‌های تاریخی مبتلا به جامعه امروز عنوان می‌کند، شاید توضیحی بر گزینش مباحث مناظراتش به عنوان چالش‌های تاریخ (نام کتاب) باشد. بر این اساس شاهد آن هستیم که فصل اول کتاب با عنوان «باستان با عظمت» است و فصل بعدی به یکباره به دوره مشروطه می‌رسد و عنوانش «مشروطه به غارت رفته» است.

در فصل اول آنچه با آن مواجه می‌شویم پس از مقدمه مناظره مکتوب شروین وکیلی و سلیمی‌نمین است و با عنوان «مبدع سیاست ایرانشهری» (۵ پرسش کلیدی در مورد کوروش) و «بزرگداشت کدام روز ملی؟» (نسبت ۷ آبان با ایرانین) که هر دوی این مطالب در مهرنامه به چاپ رسیده است و در ادامه مناظراتش به پرویز رجبی، عبدالمجید ارفعی و بهرام روشن ضمیر درباره «دخل و تصرف در آثار باستانی» و «مبدأ گزینشی تاریخ تمدن ایران» اشاره دارد که در تکمیل این مناظرات چند عکس را از کتاب ارش اشیمیت با عنوان «تخت جمشید» آورده است.

چالش دومی که سلیمی‌نمین آن را دغدغه می‌داند به یک‌باره از ایران باستان به دوران انقلاب مشروطه می‌رسد و پس از آنکه مانند فصل اول مقدمه‌ای به امضای انتشارات دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران آورده است، در ورودی بخش اول این فصل با عنوان «چهره دوگانه تقی‌زاده» چنین نوشته است: «در سالمرگ حسن تقی‌زاده، روزنامه شرق به تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۹ مقاله‌ای به قلم محمدعلی بهمنی قاجار و حجت یحیی‌پور درباره این شخصیت که در تاریخ معاصر چهره چندگانه‌ای داشته است، چاپ کرد. هر چند مطلب مورد اشاره عنوان «چهره دوگانه تقی‌زاده» را دارد، اما نویسنده محترم نته‌تها در حد همین وعده‌ای که به خوانندگان می‌دهند به ابعاد پیدا و پنهان چنین فردی نمی‌پردازد بلکه تماماً سعی دارد افعال به‌ثبت‌رسیده در آن را موجه جلوه دهد. این اتهام مخدوش‌کننده پیش‌زمینه بحثی دوجانبه در مورد تاریخ مشروطه شده است که تقدیم اهل نظر می‌شود.» در این فصل هم عملاً مطالبی در چارچوب مکتوبات رسانه‌ای این بار با روزنامه شرق را منتشر کرده است.

فصل سوم مناظره سلیمی‌نمین با صادق زیباکلام در کانون جوان است که با محوریت «سیر تاریخی کودتای ۱۲۹۹» انجام شده و او عنوان بخش را «استبداد سیاه‌تر ارمغان کودتا» گذاشته و متن تمام

جلسه را مکتوب در کتاب آورده و منتشر کرده است.

فصل چهارم مناظره مکتوب او با ابراهیم یزدی درباره ملی شدن صنعت نفت است. او در مقدمه این فصل آورده است: «سخنان دکتر ابراهیم یزدی-دبیرکل پیشین نهضت آزادی- با مجله دنیای سخن پیرامون مبارزات ضداستبدادی و ضداستعماری ملت ایران در این برهه تاریخی که بدون توجه به اصل مورد اشاره و در مواردی به دور از انصاف نسبت به جریان‌ات دخیل در نهضت، صورت گرفته، به همراه نقد آن در این فصل تقدیم خوانندگان آثار دفتر مطالعات و تدوین تاریخ می‌شود تا با شمه‌ای از به انحراف کشیده شدن‌ها در این وادی به‌طور مستند روبه‌رو گردیم.» او در ادامه به کتاب «کالبدشکافی توطئه» اشاره و تصریح می‌کند: «این عضو برجسته نهضت آزادی عمده‌سازی اختلافات در جبهه پایبندان به منافع ملی را به روایتگری انقلاب سراسری ملت ایران در سال ۵۷ نیز تسری داده و در این وادی علاوه بر ارتکاب خطای راهبردی، از اخلاق نیز فاصله گرفته است؛ بنابراین نقد جلد چهارم خاطرات وی نیز به ضمیمه تقدیم اهل اندیشه و نظر می‌شود تا نگرانی‌ها مملوس‌تر گردد» او در بخشی که با عنوان «نهضت ملی در دام یکسو نگری» در کتاب آمده نیز چنین آورده است: «ابراهیم یزدی در مصاحبه با مجله «دنیای سخن» گفتار خود را به گونه‌ای آغاز می‌کند که گویا بنا دارد از لغزش ناشی از یکسو نگری و یک‌جانبه‌گرایی سایر نویسندگان و تحلیلگران نهضت ملی شدن صنعت نفت به جد دوری کند. این فعال عرصه سیاست با اذعان به این واقعیت که آثار منتشر شده در این زمینه «حادثه را از یک زاویه با دیدگاه خاصی مورد بررسی قرار داده‌اند» وعده ارائه نگاهی بی‌طرفانه را به خواننده می‌دهد.» و پس از آن به انتشار نظر خود درباره ابراهیم یزدی و نقد اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی در روایتگری پرداخته است. بخش بعدی این فصل هم با عنوان «دفاعیه‌نویسی یا خاطره‌نگاری؟!» به نقد جلد چهارم خاطرات ابراهیم یزدی پرداخته و در ابتدای آن آورده است: «این نقد که به قلم عباس سلیمی‌نمین نگاشته شده، تعارضات کاذبی را می‌نمایاند که گویای غفلت از اولویت‌های سیاسی اند. طبعاً هدف از نقد نادیده گرفتن شخصیت‌هایی نیست که به قدر درک خود در مقاطعی از تاریخ‌مان ایفای نقش کرده‌اند.»

فصل پنجم کتاب به مناظره مکتوب سلیمی‌نمین و روزنامه کارگزاران درباره آتش‌سوزی سینما رکس آبادان با عنوان «درد جانکاه» پرداخته است. در ابتدای این فصل در مقدمه‌ای مفصل از تحریف‌های تاریخی درباره این رخداد و علل و عوامل آن به همراه مستنداتی پرداخته است و در پایان مقدمه به سبک سخنرانی (نه نگارش تحقیقی) آمده است: «خلاف واقع‌گویان و جاعلان تاریخ حتی اطلاعات ساده و پیش‌یافته از گذشته ندارند تا دچار این گونه خطاهای فاحش نشوند و آیت‌الله خامنه‌ای در آن ایام در تبعید در استان سیستان و بلوچستان (ایران‌شهر) بود و نمی‌توانست در تهران بوده باشد. کسانی که در چارچوب یک سناریو امام خمینی را صادرکننده فتوای آتش‌سوزی سینما رکس به هاشم آشوری معرفی کردند (از جمله محمدرضا پهلوی) بعد از رسوا شدن سناریوی سساواک روایت دیگری را ساز کردند و در نهایت به روایتی با محوریت آیت‌الله خامنه‌ای پرداختند و البته این تلاش‌های متناقض، خود بهترین گواه بر پنهان کردن واقعیت